



نامت: روزی: ۱۰ صبح نر: ۱۵ ملت: تکمیل: ۷۰ دقیقه

## امتحانات متمرکز عمومی نیمسال دوم ۹۸-۱۳۹۷

پاره دوم ۵ ساله، چهارم ۷ ساله، سوم ورودی، همن، سوم پاره وقت

کد امتحان: ۲۹۷۲/۱۹

تاریخ آزمون: ۱۳۹۸/۰۴/۰۹

عنوان: منطق ۲

کتاب: دانش منطق

محدوده: از ابتدای تصدیقات تا اول صناعات خمس (ص ۱۶۱-۳۲۸)

حذفیات: نقض تام و نقض موضوع (ص ۲۵۳-۳۴۷)، براهین اشکال اربعه (اصل اشکال خوانده شود)، قیاس اقترازی شرطی و اقسام آن (ص ۳۱۴-۳۹۱) درس ۲۳ (اقسام قضایای موجهه) (ص ۱۸۷-۱۷۹) و موارد برای مطالعه

مهر مدرسه

شماره یا نام صحیح اول	نمره بر عدد	نمره بر حرف
شماره یا نام صحیح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حرف

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد طلایی: ..... مدرس علی: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۱- قضیه «واجب الوجود کلی است» و «انسان جوهر است» به ترتیب چه نوع قضایایی هستند؟ ص ۱۷۲

۰/۵

- الف. محصوره، طبیعی
- ب. محصوره، مهمله
- ج. مهمله، طبیعی
- د. طبیعی، مهمله

۲- قضیه «همه کتاب‌های شهید مطهری سودمند هستند» به اعتبار ظرف تحقق موضوع، چه نوع قضیه‌ای است؟ ص ۱۷۴

۰/۵

- الف. شخصی
- ب. خارجی
- ج. حقیقی
- د. طبیعی

۳- قیاس مرکبی که مطلوب را با ابطال نقیضش اثبات می‌کند، چه نام دارد؟ ص ۲۷۵

۰/۵

- الف. مساوات
- ب. استقراء
- ج. خلف
- د. تمثیل

۴- به استقراء ناقص مبتنی بر تعلیل (که بازگشت به قیاس دارد و یقینی است) چه می‌گویند؟ ص ۲۵۹

۰/۵

- الف. قیاس مقسم
- ب. برهان لمی
- ج. مشاهده
- د. تجربه

۵- حمل اولی ذاتی و شایع صناعی در قضایا را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۱۹۱-۱۹۰

۲

جواب: حمل اولی ذاتی: به حملی که در آن موضوع و محمول، اتحاد مفهومی دارند، حمل اولی ذاتی می‌گویند مانند: «انسان حیوان ناطق است». [شایان توجه هرگاه موضوع و محمول، اتحاد مفهومی داشته باشند ضرورتاً اتحاد مصداقی دارند.] حمل شایع صناعی: حملی است که در آن موضوع و محمول تنها اتحاد مصداقی دارند. مانند: «انسان شاعر است» [در چنین حملی وجود موضوع از مصادیق وجود محمول است.]

۲

۶- چگونگی تبدیل قضیه اتصالی را به انفصالی مانعة الجمع و مانعة الخلو به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۰۸-۲۰۷

جواب: برای تبدیل قضیه شرطیه اتصالی به انفصالی مانعة الخلو کافی است مقدم را نقیض کرده با حرف «یا» به تالی اضافه کنیم؛ مانند: «اگر سعید دانشجو است دیپلم دارد»؛ «یا سعید دانشجو نیست یا دیپلم دارد» برای تبدیل قضیه شرطیه اتصالی به انفصالی مانعة الجمع کافی است تالی را نقیض کرده و با حرف «یا» به یکدیگر عطف نماییم. مانند: «اگر شخصی امام باشد معصوم است»؛ «یا شخصی امام است یا معصوم نیست».

۷- قضایای محرف زیر را به قضایای متعارف تبدیل کنید. ص ۲۰۸-۲۰۹

الف) کسیکه تلاش نماید موفق می‌شود. جواب: هر کس تلاش کند موفق می‌شود.

ب) همه انسان‌ها غذا می‌خورند. جواب: همه انسان‌ها غذا خورنده هستند.

ج) فقط خداوند قادر به انجام این کار است. جواب: به دو قضیه منحل می‌شود؛ خداوند قادر به انجام این کار است، غیر خداوند قادر به انجام این کار نیست.

د) هر گردی گردو نیست. جواب: بعضی گردوها گردو نیستند.

۸- «وحدت شرط» و «وحدت در اضافه» از وحدت‌های معتبر در تناقض را با مثال تبیین نمایید. ص ۲۲۲

جواب: وحدت شرط: اگر دو قضیه مشروط به شرطیه باشد لیکن شرطشان یکی نباشد متناقض نخواهد بود؛ مانند: «انسان رستگار می‌شود اگر خویش‌ن‌بان باشد»، «انسان رستگار نمی‌شود اگر خویش‌ن‌بان نباشد». وحدت در اضافه: اگر موضوع یا محمول در قضیه از امور نسبی و اضافی باشد، باید مضاف الیه آنها یکی باشد تا بتوان آنها را نقیض یکدیگر به شمار آورد؛ بنابراین قضیه «کتاب سبک است نسبت به میز» و «کتاب سبک نیست نسبت به یک قلم» متناقض نیستند.

۹- عکس هر یک از قضایای زیر را بنویسید. (در صورت عکس داشتن) ص ۲۴۳-۲۲۷

الف) عکس نقیض موافق «هیچ سنگی حیوان نیست»: جواب: برخی غیر حیوان‌ها غیر سنگ نیستند.

ب) عکس نقیض مخالف «هیچ دزدی عادل نیست»: جواب: بعضی غیر عادل‌ها دزدند.

ج) عکس مستوی «بعضی طلبه‌ها فاضل نیستند»: جواب: عکس مستوی صادق ندارد.

د) عکس نقیض موافق «برخی انسان‌ها پزشک نیستند»: جواب: برخی غیر پزشک‌ها غیرانسان نیستند.

۱۰- شکل هر یک از قیاس‌های ذیل را نام برده در صورت منتج بودن، نتیجه و در صورت عقیم بودن علت را بنویسید. ص ۳۰۶-۲۸۶

الف) هر پرنده‌ای حیوان است - برخی پرنده‌ها سفید هستند. جواب: شکل سوم - برخی حیوانات سفید هستند.

ب) برخی انسان شاعر نیست - هر انسانی عاقل است. جواب: شکل سوم - عقیم - عدم موجه بودن صغری در شکل سوم

ج) هر انسانی حیوان است - بعضی نویسنده‌ها انسانند. جواب: شکل چهارم - بعضی حیوان‌ها نویسنده‌اند.

د) هر آهنی فلز است - هر طلائی فلز است. جواب: شکل دوم - عقیم - عدم اختلاف در کیف

۱۱- راه‌های استنتاج در قیاس استثنایی مانعة الجمع را با مثال تبیین نمایید. ص ۳۲۰

جواب: ۱- وضع مقدم برای استنتاج رفع تالی؛ مانند «یا قلم سبز است یا سیاه، لیکن این قلم سبز است؛ پس این قلم سیاه نیست» ۲- وضع تالی برای

استنتاج رفع مقدم؛ مانند: «یا دیوار سفید است یا سیاه، لیکن این دیوار سیاه است؛ پس این دیوار سفید نیست»